



## کودکی بر آب

### ۱- تعبیر خواب فرعون چه بود؟

سراسیمه از خواب پرید؛ خواب آشفته‌ای دیده بود!  
نگران و خشمگین دستور داد تعبیرکنندگان خواب را حاضر کنند؛ خواب خود را برای  
آنها تعریف کرد. آنها با ترس گفتند:

۱- «به زودی در این سرزمین پسری به دنیا می‌آید که حکومت شما را به خطر می‌اندازد!»  
فریاد فرعون در کاخ پیچید:

۲- «از امروز هر نوزاد پسری که به دنیا آمد، فوراً او را از بین ببرید!»

### ۲- فرعون بعد از شنیدن تعبیر خوابش \*\*\* چه دستوری داد؟



## ۳. مادر محتر موسی با شنیدن دستور فرعون چه کرد؟

۳- مادر با مهربانی کودکش را در آغوش فشرد؛ برای آخرین بار او را شیر داد و به صورتش چشم دوخت. دست‌های کوچک پسرک به سوی مادر دراز شده بود. مادر لبخند غمگینی زد و گونه‌های نرم فرزندش را بوسید. او را از خود جدا کرد و با دلی امیدوار به لطف خدا، درون صندوق خواباند. کودک بی‌گناه باید به سفری پرخطر می‌رفت. قطره‌های اشک از چشمان مادر فرو می‌ریخت. ( ۳



۴- چه کسی در طول مودنیل موسی دع، رادنبال کرد؟

۵- فرعون که برد؟

صندوق را برداشت و به آرامی روی آب گذاشت. صندوق، بالا و پایین می شد و در مسیر رود بزرگ نیل به پیش می رفت. مادر رو به دخترش کرد و گفت: «صندوق را دنبال کن و چشم از برادرت برندار!» خواهر موسی اشک هایش را پاک کرد و در طول ساحل به راه افتاد.

۶- همسر فرعون چه نام داشت؟ \*\*\* ۶

فرعون، «پادشاه مصر»، و همسرش، آسیه، در ساحل نیل قدم می زدند. فرعون در میان رودخانه صندوقی را دید که به آرامی بالا و پایین می رفت. صندوق با آب پیش آمد و در نزدیکی او و آسیه در میان گیاهان کنار رود آرام گرفت. به دستور فرعون، چند خدمتکار صندوق را از آب گرفتند. وقتی صندوق در برابر فرعون و آسیه قرار گرفت، نگاه آنها به کودکی افتاد که درون صندوق دست و پا می زد و به آنها نگاه می کرد. فرعون فریاد زد: «این کودک اینجا چه می کند! مگر دستور ندادم هر نوزاد پسری که به دنیا می آید، نابود شود؟»

و بعد حرف های پیشگویان را با خود مرور کرد ... و این بار بلندتر فریاد زد: «این کودک را هم مانند دیگر کودکان از بین ببرید!» آسیه که سال ها آرزو داشت فرزندی داشته باشد، به آن کودک علاقه مند شده بود؛ پس به فرعون رو کرد و با ملایمت گفت:

۷- «این کودک می تواند نور چشم من و تو باشد. او را نکش! شاید برای ما سودی داشته باشد ... شاید بتوانیم او را به فرزندی قبول کنیم!» فرعون که فرزندی نداشت با شنیدن حرف های آسیه به فکر فرو رفت.

\*\*\*

نوزاد انگشتش را از دهانش بیرون آورد و صدای گریه اش بلند شد. آسیه کودک را از داخل صندوق برداشت؛ به زن هایی که دورش را گرفته بودند، گفت: «باید زودتر یک نفر را پیدا کنیم تا به این کودک شیر بدهد. دیگر تحملش تمام شده است!»

۷- چرا فرعون موسی دع، را در نوزادی نگه داشت؟ آسیه به او گفت ...

مأموران دربار فرعون روانه‌ی شهر شدند تا دایه‌ای برای نوزاد گرسنه پیدا کنند. زن‌های زیادی نزد کودک آمدند اما بی‌فایده بود؛ کودک شیر نمی‌خورد. خواهر کودک که از دور ماجرا را زیر نظر داشت، نزدیک شد و گفت: «می‌خواهید زنی را به شما معرفی کنم که سرپرستی این کودک را به عهده بگیرد و او را شیر بدهد؟» خیلی زود خبر را به آسیه رساندند. آسیه دایه را به دربار دعوت کرد؛ بدون آنکه بداند او مادر نوزاد است.

\*\*\*

وقتی کودک در آغوش مادرش جای گرفت، آرام شد. مادر، نوزادش را نوازش کرد؛ اشک شادی را پشت پلک‌هایش نگه داشت و به لطف خداوند فکر کرد؛ خداوند بزرگی که کودکش را در سلامت کامل به او بازگردانده بود.



# ۸- حضرت موسیٰ چه کسی بود؟

## ۱۰- آسیه چه درسی به زنان و مردان عالم چه آموخت؟

برایم بگو

خلاصه‌ی داستان «کودکی بر آب» را از زبان یکی از این شخصیت‌ها تعریف کنید.

حضرت موسی - علیه السلام - آسیه خواهر موسی

## ۹- آسیه در مقابل تهدید فرعون چه کرد؟

بگردد و پیدا کن

۱۱- خدا در قرآن آسیه را \_\_\_\_\_ می‌کند.  
متن زیر را بخوانید.

حضرت موسی - علیه السلام - یکی از پیامبران بزرگ است. خدا او را برای مبارزه با فرعون و هدایت قوم بنی اسرائیل فرستاد. وقتی موسی به پیامبری رسید، آسیه به او ایمان آورد. فرعون از شنیدن این خبر خشمگین شد و آسیه را تهدید کرد تا از ایمانش دست بردارد اما آسیه در ایمان خود استوار باقی ماند. این بانوی مؤمن یکی از بهترین زنان عالم است. او تا آخرین نفس در برابر ظلم و ستم فرعون ایستادگی کرد و با شجاعت از دنیا رفت. آسیه به مردان و زنان با ایمان آموخت که از مبارزه با ستمکاران نهراسند. خدا در قرآن این بانوی نیکوکار را الگوی مؤمنان معرفی می‌کند.

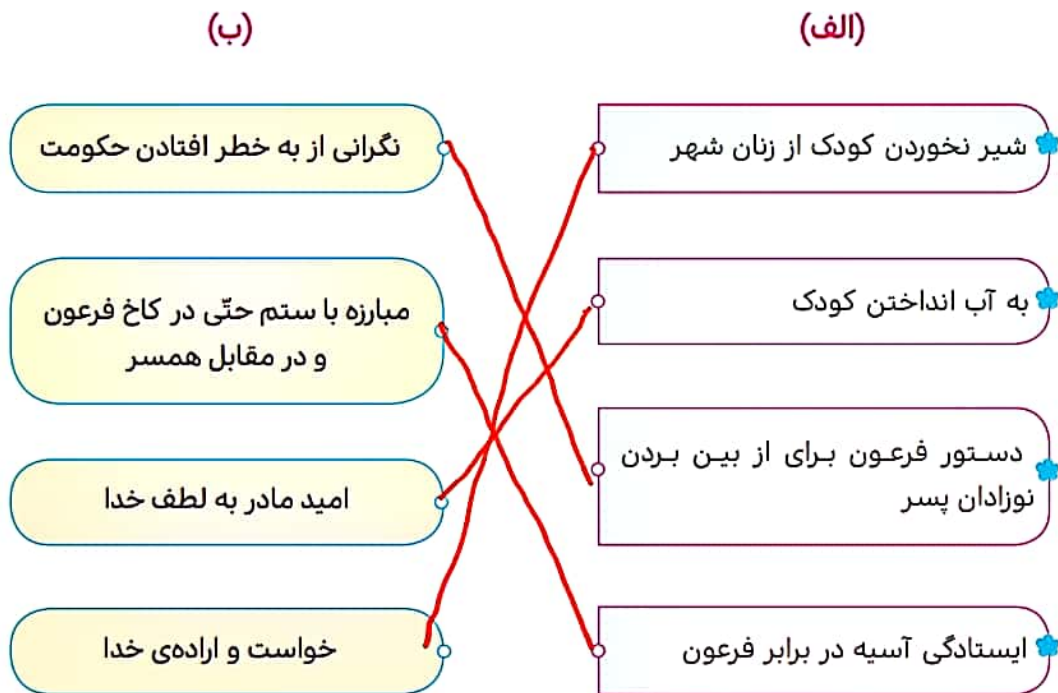


نام پدر و مادر حضرت موسی را بنویسید: مادر ← یو کابید

پدر ← عمران

با توجه به درس و متن صفحه ی قبل مشخص کنید هر کدام از مطالب قسمت (الف)

با کدام مطلب قسمت (ب) ارتباط دارد.



### گفت و گو کنید

خدا ی مهربان، همیشه و همه جا پشتیبان انسان های خوب است. به نظر شما در داستان «کودکی بر آب» کدام بخش ها به پشتیبانی خدا از انسان های خوب اشاره می کند؟

۱- مادر موسی با دلی امیدوار به لطف کودک را درون صندوق قرار داد و نگران بود که فرعون او را پیدا نکند.



۲- خداوند بزرگ کودکش را به سلامت به آغوش مادر بازگرداند.

۱۲- حضرت موسی (ع)، در کدام کشور زندگی می کرد؟ مصر

۱۳- با خرافات خدا دایه می حضرت موسی (ع)، چه کسی شد؟ مادرش

بین و بگو

کدام تصویر به کدام آیه مربوط است؟ آنها را به ترتیب داستان کودکی حضرت موسی - علیه السلام - مشخص کنید.



۱  
نترس و اندوهگین  
نباش؛ ما کودک را به تو  
باز می گردانیم.  
(سوره ی قصص، آیه ی ۷)



۳  
برادرت را دنبال کن و  
چشم از او برندار!  
(سوره ی قصص، آیه ی ۱۱)



۴  
این کودک می تواند نور  
چشم من و تو باشد.  
او را نکش.  
(سوره ی قصص، آیه ی ۹)

۱- وقتی موسی را، کودک بود مادرش او را در صندوق گذاشت، با موران فرعون او را از آب گرفتند و فرعون در حوضش او را به

فرزندش پذیرفتند



### ایستگاه فکر

این تصویرها بخش‌هایی از زندگی حضرت موسی- علیه السلام- را نشان می‌دهد. داستان آنها را تعریف کنید.

۳- دشمنان به دنبال موسی را، آموختند

۲- به فرمان خدا موسی عصای خود را بر زمین انداخت و عصا تبدیل به مار بزرگی شد.



و حضرت موسی به فرمان خدا عصایش را در آب دریا انداخت و راه برای پیروانش در آب باز شد و سپاه فرعون غرق شد

آب باز شد و سپاه فرعون غرق شد

کدام یک از تصویرهای بالا با این شعر ارتباط دارد؟ تصویر شماره ۲

آنچه می‌گوییم ما، آن می‌کنند  
ما به سیل و موج فرمان می‌دهیم  
پروین اعتصامی

رودها از خود نه طغیان می‌کنند  
ما به دریا حکم طوفان می‌دهیم